



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد

موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دری و پشتو) ارسال میگردد

۲۶/شعبان المعظم/۱۴۴۵هـ، ق موافق ۱۸/حوت/۱۴۰۲هـ، ش

بیان معجزات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

الحمد لله ، أرسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون ، و أشهد أن نبينا محمداً عبد الله و رسوله ، أرسله هادياً و مبشراً و نذيراً، و داعياً إلى الله بإذنه و سراجاً منيراً ، فبلغ الرسالة، و أدى الأمانة ، و نصح الأمة ، و جاهد في الله حق جهاده، صلوات الله و سلامه عليه و على آله الأبرار، و صحبه الأخيار، و التابعين و من تبعهم بإحسان الى يوم الدين، أما بعد :

قال الله سبحانه و تعالى وهو أصدق القائلين: (هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ). الحديد: (۹)

الله جل جلاله به اساس فضل و مهربانی خود برای هدایت و رهنمائی انسانها در هر زمان پیامبران و رسولانی فرستاده است، بخاطر اینکه پیامبران و رسولان احکامات و پیغامهای الهی را به مردم برسانند و انسانها را به عبادت الله تعالی دعوت بدهند و از کفر و شرک آنها را منع کنند، صالحان و نیکوکاران را بشارت به جنت بدهند، کافران و فاسقان را از عذاب جهنم بر حذر بدارند تا اینکه حجت الهی بالای انسانها قیام شود تا اینکه اینها نگویند که به ما کسی نیامده و رهنمائی نکرده بود؛ از اینجهت ما از راه مستقیم منحرف و گمراه شده ایم.

سپس الله تعالی تأیید پیامبران خود را به معجزه کرده است و برای پیامبران خود معجزاتی داده است که به صداقت پیامبران دلالت کند، و بواسطه معجزه پیامبران مخالفین و معاندین را به مبارزه فراخواندند که این در حقیقت دلیل این است که پیامبر فرستاده و رسول راستین الله تعالی است؛ طوریکه الله تعالی به صالح علیه السلام شتر را به طور معجزه داده بود، و به موسی علیه الصلاة والسلام عصا را به طور معجزه داده بود و به عیسی علیه السلام صحت بخشیدن به کوران، پیس و زنده کردن مردگان را به طور معجزه داده بود.

الله تعالی با در نظر داشت وقت و حالات به پیامبران اینطور معجزاتی نصیب کرد که مردمان دانا و بافهم از مقابله کردن با معجزه پیامبر عاجز بودند، مثلاً: در زمان موسی علیه الصلاة والسلام سحر و جادو گری به اوج خود رسیده بود، پس الله تعالی به موسی علیه السلام عصا را که از آن مار و اژدها جور میشد به طور معجزه داده بود که تمام ساحران از مقابله آن عاجز آمدند. همچنان در زمان حضرت عیسی علیه السلام طب و طبابت خیلی پیشرفت کرده بود و طبیبان وقت هر نوع مرض را معالجه میکردند، ولی آنها از معالجه مرض پیس و کور مادر زاد و زنده کردن مرده عاجز بودند؛ الله تعالی به عیسی علیه السلام اینطور معجزه داد که طبیبان ماهر آن وقت از آن عاجز بودند یعنی صحت بخشیدن به مرض پیس و بینائی برای کور مادر زاد و زنده کردن مرده .

همچنان الله جل جلاله به پیامبر محبوب ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم معجزه های بزرگی داده بود در بین آن معجزه ها بزرگترین معجزه قرآن کریم هست، زیرا که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم عربها در ادبیات عربی، علوم و فنون عربی زیاد ماهر بودند، و عربها در فصاحت و بلاغت عربی به اوج خود رسیده بودند، الله تعالی به خاتم النبیین اینطور معجزه ای داد که از آن زمان تا روز قیامت انسانها از آوردن یک آیتی مانند: قرآن عاجز و نا توان اند.

در قرآن کریم کلمه معجزه استعمال نشده است بلکه معجزه به کلمات (الآية) و (البينة) و (البرهان) (السلطان) ذکر شده است. طوریکه در سوره انعام آمد است: (وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَّيُؤْمِنُونَ). (الأنعام، آیه: ۱۰۹).

ترجمه: و مشرکان سوگند موکد یاد کردند که اگر به آنها معجزه بیاید البته به آن ایمان می آرند، بگو معجزه تنها نزد الله است وای مومنان شما چه میدانید اگر معجزاتی را که خواسته اند برای ایشان بیاید باز هم ایمان نیارند.

و یا طوریکه در سوره الاعراف آمد است: (قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ) (الاعراف، آیه: ۷۳).

ترجمه: از جانب پروردگار تان معجزه روشنی برای شما آمده است: این ماده شتر آفریده الله و معجزه برای شماست.

و چنانچه در سوره قصص آمده است: (فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ). (القصص، آیه: ۳۲).

ترجمه: دست راست را در گریبان فرو ببر سفید و درخشان بیرون میشود و برای دور ساختن خوف دست راست خود به سوی سینه ات جمع کن تا ترس و وحشت از تو دور شود این هر دو برهان از جانب پروردگارت به سوی فرعون و اطرافیان هست، یقیناً آنها گروهی گنهکاران اند.

و یا طوریکه در سوره ابراهیم آمده است: (ثَرِيدُونَ أَن تَضُوتُوا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ). (ابراهیم، آیه: ۱۰).

ترجمه: میخواهید ما را از آنچه که پدران مان عبادت میکردند باز دارید؟ پس برای ما دلیل روشنی بیاورید.

و معجزه را بنام معجزه در قرن دوم و سوم وقتی نام نهاد کردند که علم عقیده تدوین شد و در بین علما بحث و مباحثه صورت میگرفت.

ممکن علمای کرام و مجتهدین لفظ معجزه را بخاطر این انتخاب کردند که کلمه (الایة) دو معنی دارد: یکی معجزه و دیگری آیت قرآن کریم. طوریکه در سوره بقره آمده است: (مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). (البقره، آیه: ۱۰۶). و (الایة) نشانه و علامه بارز به وجود الله تعالی هم گفته میشود. طوریکه در سوره آل عمران آمده است: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ) (آل عمران، آیه: ۱۹۰). همچنان به آبادی بلند هم لفظ (الایة) استعمال شده است.

طوریکه در آیتی آمده است: (أَتَبْتُونَنَا بِكُلِّ رَيْعٍ آيَةٍ تَعْبَثُونَ). (الشعراء، آیه: ۱۲۸). همچنان کلمات دیگری که در قرآن کریم به معنی معجزه آمده است به معنی دیگری هم استعمال شده است.

بخاطر اینکه کلمات فوق به معنی معجزه آمده است و از معانی دیگر جدا شود علماء و مجتهدین لفظ معجزه را انتخاب کرده اند.

معجزه در لغت، از عجز، ضعف و ناتوانی گرفته شده است و معجزه را، معجزه؛ بخاطر این میگویند: که مخلوق از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان شده اند.

و در اصطلاح امام جرجانی میگوید: (المعجزة أمر خارق للعادة داع إلى الخیر والسعادة مقرون بدعوى النبوة قصد به إظهار صدق من ادعى أنه رسول من الله). (التعريفات (ص: ۲۸۲)

عبارت از آن کار فوق العاده ای است که به خیر و سعادت دعوت میدهد و به مدعی نبوت وابسته باشد و غرض از آن آشکار کردن صداقت کسیکه دعوی پیامبری را دارد که من فرستاده الله هستم.

شرایط و حقیقت معجزه:

علمای کرام میگویند که شرایط معجزه قرار ذیل است:

۱- معجزه از امور فوق العاده باشد، مانند: نسوختن آتش ابراهیم علیه السلام را و غرق نکردن بحر، موسی و قوم او را.

۲- این امر و کار فوق العاده فعل الله تعالی باشد و از کسب بنده نباشد. طوریکه الله تعالی فرموده است: (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُضِلُّونَ) (غافر، آیه: ۷۸).

ترجمه: واقعاً ما پیش از تو پیغمبرانی فرستادیم، سرگذشت بعضی از ایشان را بر تو خوانده ایم، و سرگذشت برخی از ایشان را برای تو بیان نکرده ایم، و برای هیچ پیغمبری ممکن نبوده است که معجزه ای بیاورد مگر به فرمان الله، پس هنگامی که فرمان الله فرا رسد داوری عادلانه صورت میگیرد، و آنوقت اهل باطل زیانمند میشوند.

۳- معجزه از مقابله و معارضه محفوظ مییابد کسی با آن مقابله کرده نمیتواند.

۴- معجزه به آن طریقه به وجود می آید طوریکه مدعی نبوت دعوا میکند.

۵- در معجزه به مبارزه فرا خواند و تحدی شرط است. که از مردم تقاضا میشود که این کار اگر ساخته بشر است شما هم آنرا انجام بدهید.

۶- معجزه را به حیث دلیل کسی پیش میکند که مدعی نبوت باشد.

۷- معجزه از برای خیر و سعادت مییابد تا اینکه مردم ایمان بیاورند و سعادت برایشان حاصل شود.

فرق در بین معجزه و سحر:

امام قرطبی رحمه الله میگوید: سحر از ساحر و غیر ساحر از هر دو صادر میشود و این هم امکان دارد که کسی به سحر آگاهی دارد تمام اعمال سحری را در یک وقت انجام بدهد. و معجزه الله تعالی چیزی است که هیچ کس قادر نمی شود بر اینکه مثل معجزه یک چیزی بیاورد و با معجزه مقابله کند. دیگر اینکه ساحر دعوی نبوت نمی کند و آنچه را که ساحر انجام میدهد یک چیزی جدا از معجزه است، زیرا که معجزه وابسته به مدعی نبوت هست و به معجزه تحدی میکند. تفسیر القرطبی (۴۷/۲)

همچنان سحر فعل بشر است و معجزه فعل الله تعالی است و دیگر اینکه به سحر حقیقت شی تبدیل نمی شود بلکه به چشم بندی، تخیل و فریب دادن، و به معجزه ذات و حقیقت شی بدل میشود: مثلاً: عصای موسی علیه السلام که حقیقتاً به مار بدل شد. تفسیر السراج المنیر (۱/ ۵۰۱)

تفصیل معجزات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم:

الله جل جلاله برای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم معجزات بی شماری داده است. بعضی علما گفته اند که تعداد معجزات رسول الله صلی الله علیه وسلم به هزار میرسد، که بعضی مشهور ترین آنها قرار ذیل است:

۱- قرآن کریم معجزه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است:

که این موضوع محور اصلی بحث است، بلی قرآن کریم معجزه پیغمبر آخر الزمان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم است، که از جانب الله تعالی داده شده است. قرآن کریم کلام الله تعالی است که بواسطه حضرت جبرئیل بالای حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در اوقات و اماکن مختلف به زبان عربی نازل شده است. همچنان قرآن کریم به این سخن شاهد است: (وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ . عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ . بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ) الشعراء: (۱۹۵)

ترجمه: یقیناً این قرآن فرو فرستاده پروردگار جهانیان است؛ فرود آورده است آنرا جبرئیل امین؛ به قلب تو تا از ترسانندگان باشی به زبان عربی روشن.

علاوه بر اینکه قرآن کریم معجزه پیامبر علیه السلام هست به ذات خود هم اعجاز های علمی بیشماری را دارد مانند: اعجاز معنوی، اعجاز بیانی، اعجاز لغوی و ترکیبی، و در بخش اخبار غیبی هم معجز است، که بیان هر یک اینها به طور تفصیل سخن عادی نیست، زیرا که هر کدام آن ساحه علمی و تخصصی است که نوشته های ضخیمی در هر کدام آن شده است، قرآن کریم به اساس مشتمل بودن آن به این اصل و خاصیت معجزه پیامبر علیه الصلاة والسلام شده است، زیرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم انسان ناخوانده (امی) بود.

رسول الله صلى الله عليه وسلم شخص یتیم بود، ونا گهان دانستن کلام الهی که معلق و پیچیده (به اعجازهای مختلف علمی) بوده واقعاً معجزه است، که این کار از توان هر کس نبوده و نمی باشد! قرآنیکه به صدها تفسیر و تحلیل به زبانهای مختلف شده است.

از طرف دیگر مشرکین مکه میفگتند که این قرآن کریم را از خود جور کرده است ویا فلانی شخص به او تعلیم داده است. الله تعالی اینها را به مبارزه فراخواند و فرمود: اگر شما میگوئید که این قرآن کریم را رسول الله صلى الله عليه وسلم از خود جور کرده است شما این کار را همه مشترکاً انجام بدهید. الله تعالی میفرماید: (أَمْ يَقُولُونَ تَقَوْلُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ * فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ). [الطور: ۳۳-۳۴].

ترجمه: آیا میگویند این پیامبر خودش قرآن را افتراء کرده است، بلکه ایشان ایمان نمی آورند؛ پس باید سخنی همچون قرآن را بیاورند اگر راست میگویند.

سپس الله تعالی فرمود: حتی اگر انسانها و جنیات همه جمع شوند که مانند قرآن کریم در فصاحت و بلاغت کتابی نوشته کنند و یکی به دیگر دست بدهند این کارا هیچوقت کرده نمی توانند. (قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً) (الاسراء: ۸۸)

ترجمه: بگو اگر انس و جن همه جمع شوند تا مانند قرآن را بیاورند هر گز نخواهند توانست که مانند آنرا بیاورند اگر چه بعضی ایشان برای بعضی دیگر مددگار باشند.

وقتیکه از این کار عاجز شدند، الله تعالی در به مبارزه فراخواندن شان تخفیف آورد و فرمود: که اگر مانند تمام قرآن کریم کتاب مکمل جور کرده نمی توانید پس مانند این ده سوره جور کنید.. (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ). هود: ۱۳

ترجمه: بگو آیا میگویند این قرآن را خودش افتراء نموده است بگو شما هم ده سوره دروغین هم مانند آنرا بیاورید و جز الله هر کسی را که میتواند بخواهید اگر راستگو هستید.

وقتیکه از این هم عاجز شدند، الله تعالی فرمود: یک سوره را جور کنید. (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ). یونس: ۳۸

ترجمه: بلکه آنان مشرکان میگویند: این قرآن را محمد خودش ساخته است بگو شما هم یک سوره هم مانند آن بیاورید و هر کس را میتواند جز الله بخواهید تا شمارا یاری دهد اگر راست میگوئید .

همین اعجاز قرآن کریم بود که در جهان یک انقلاب را آورد، جهالت هارا محو کرد و بنام اسلام در جهان سعادت و روشنائی را پخش کرد، به شنیدن تلاوت قرآن کریم در آن زمان بسیار پیشوایان بزرگ کفار، مانند: حضرت عمر رضی الله عنه رهبران بزرگ اسلام شدند و سرداران کفار به این اعتراف کردند که این کلام بشر نیست.

به اعجاز قرآن کریم کافران خود اعتراف کرده اند، ولید ابن مغیره از سرداران قریش که دارای سرمایه و مقام بود وده فرزند داشت، روزی نبی کریم صلى الله عليه وسلم در مسجد الحرام تلاوت قرآن کریم میکرد و ولید ابن مغیره شنید و بالای او سخت تاثیر کرد به قوم خود گفت: (وَاللَّهِ لَقَدْ سَمِعْتُ مُحَمَّدًا أَنفَاءً يَقُولُ كَلِمًا مَا هُوَ مِنْ كَلَامِ الْإِنْسِ ، وَلَا مِنْ كَلَامِ الْجِنِّ ، إِنَّ لَهُ لِحَلَاوَةً ، وَإِنَّ عَلَيْهِ لَطَلَاوَةً ، وَإِنَّ أَعْلَاهُ لَمُثْمِرٌ ، وَإِنَّ أَسْفَلَهُ لَمُعْدِقٌ ، وَإِنَّهُ يَعْلُو وَمَا يُعْلَىٰ عَلَيْهِ . تفسیر البغوي (۸ / ۲۶۸)

ترجمه: قسم به الله تعالى من از محمد-صلی الله علیه وسلم- یک کلامی را شنیدم که آنرا میخواند که نه سخن انسانها بود و نه سخن جنیات، یقیناً در آن خیلی شربنی و حلاوت بود و در آن زیبایی و رونق موجود بود، منزلت بالای او میوه و پایان او خیلی عمیق بود یقیناً او دست بالا دارد و بالای او بالا دستی کرده نمیشود.

نبی علیه السلام فرموده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ نَبِيٍّ إِلَّا أُعْطِيَ مَا مِثْلُهُ أَمِنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ، وَإِنَّمَا كَانَ الَّذِي أُوتِيَتْ وَحْيًا أَوْحَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ، فَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ). صحیح البخاری (۱۸۲/ ۶)

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: در بین انبیاء اینطور کسی نیست مگر اینکه داده شده است برای او چیزیکه باید ایمان بیاورد به سبب آن انسانها یقیناً آنچه که به من داده شده است وحی است که الله تعالی به من وحی کرده است این (قرآن کریم) را، من امید وارم که من بیشتر باشم از لحاظ امتیان در روز قیامت.

۲- پاره شدن و دوپارچه شدن مهتاب: در جمله معجزات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم معجزه دیگر آن پاره شدن مهتاب بود.

در باره این معجزه الله تعالی میفرماید: (أَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ). القمر: (۱)

ترجمه: قیامت نزدیک شد و مهتاب پاره و دو پارچه شد.

و در حدیث شریف آمده است (عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُرِيَهُمْ آيَةً فَأَرَاهُمُ الْقَمَرَ شَقَّتَيْنِ حَتَّى رَأَوْا حِرَاءَ بَيْنَهُمَا). صحیح البخاری (۹/ ۶۷۰)

ترجمه: از حضرت انس رضی الله عنه روایت است او میگوید: اهل مکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم تقاضا کردند که برایشان معجزه نشان دهد، نبی کریم صلی الله علیه وسلم به ایشان مهتاب را نشان داد در حالیکه دو پارچه شده بود حتی تا اینکه ایشان در بین هر دو پارچه آن کوه حرا را دیدند.

در روایت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده است او میگوید: (عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ انْشَقَّ الْقَمَرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِرْقَتَيْنِ فِرْقَةٌ فَوْقَ الْجَبَلِ وَفِرْقَةٌ دُونَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشْهَدُوا). صحیح البخاری (۱۲/ ۱۴۴)

ترجمه: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه میگوید: پاره شد مهتاب در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم. دو پارچه شد یک پارچه آن بالای کوه حراء و پارچه دیگر آن در پائین کوه حراء و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: گواه باشید به دو پارچه شدن مهتاب.

علماء کرام میگویند: که اهل مکه در بیرون مکه از مسافران هم پرسیدند که آیا شما دیدید که مهتاب دو پارچه شده بود؟ آنها به ایشان گفتند: بلی! ما هم دیدیم که مهتاب دو پارچه شد، این واقعه پنج سال قبل از هجرت واقع شده بود، در روایت عبدالله ابن عباس آمده است که اهل مکه از نبی علیه السلام تقاضا کردند که اگر تو پیامبر واقعی استی این مهتاب را دو پارچه کن؟ نبی علیه السلام به ایشان گفت: اگر من این کار را انجام بدهم شما ایمان می آورید؟ آنها گفتند: بلی! ما ایمان می آوریم.

نبی علیه السلام به پروردگار خود سوال کرد که این مهتاب را دو پارچه کن و مهتاب دو پارچه شد، نبی علیه السلام هر یکی را آواز کرد ای فلانی توبه این معجزه شاهد باش! ای فلانی تو به این معجزه شاهد باش! [کشف المشکل من حدیث الصحیحین (ص: ۱۹۲)]

۳- جاری شدن آب از بین انگشتان رسول الله صلی الله علیه وسلم: معجزه دیگر رسول الله صلی الله علیه وسلم جاری شدن آب از بین انگشتان مبارک بود. در حدیث شریف آمده است: (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كُنَّا نَعُدُّ الْآيَاتِ بَرَكَهًا، وَأَنْتُمْ تَعْدُونَهَا تَخْوِيفًا، كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ، فَقَلَّ الْمَاءُ، فَقَالَ: «اطْلُبُوا فَضْلَةً مِنْ مَاءٍ» فَجَاءُوا بِإِنَاءٍ فِيهِ مَاءٌ قَلِيلٌ فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الطُّهُورِ الْمُبَارَكِ، وَالْبَرَكَهَةُ مِنَ اللَّهِ فَلَقَدْ رَأَيْتُ الْمَاءَ يَنْبُعُ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ). صحیح البخاری (۴/ ۱۹۴)

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است او میگوید: ما معجزه را برکت می شمردیم و شما آنرا ترس می شمارید، ما همراه با رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک سفر بودیم (صلح حدیبیه ویا غزوه خیبر) آب کم شد نبی علیه السلام فرمودند: بیارید آب های باقی مانده خود را صحابه کرام یک ظرفی را آوردند که در آن کمی آب بود، پس داخل کرد نبی علیه السلام در آن آب کم دست مبارک خود را سپس فرمودند: بیاید به آب پاک و مبارک و به برکتی از جانب پروردگار است، عبدالله بن مسعود رضی الله عنه میفرماید: من دیدم آب را که فواره میکرد از بین انگشتان رسول الله صلی الله علیه وسلم.

۴- آمدن درخت به امر رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی و سلام گفتن آن به نبی علیه السلام: معجزه دیگر رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدن درختی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم که نبی علیه السلام به او اشاره کرد که بیا. در حدیث شریف آمده است: (عَنْ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ بِالْحَجُّونِ فَرَدَّ عَلَيْهِ الْمُشْرِكُونَ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ ارْنِي آيَةَ الْيَوْمِ لَا أَبَالِي مَنْ كَذَّبَنِي بَعْدَهَا» فَآتَى فَقِيلَ لَهُ ادْعُ شَجْرَةً، فَدَعَا شَجْرَةً فَأَقْبَلَتْ تَحْتَ الْأَرْضِ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَيْهِ فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَمَرَهَا فَرَجَعَتْ). قال الهيثمي: رواه البزار وأبو يعلى، وإسناد أبي يعلى حسن. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد (۹/ ۱۰)

ترجمه: از حضرت عمر رضی الله عنه روایت است او میگوید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه مکرمه بود و مشرکین سخن او را رد کردند و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای پروردگار! به من امروز یک نشانه به حقانیت من نشان بده! من باک ندارم از کسانی که من را دروغگو می شمارند، بعد از آن جبرئیل آمد و به او گفته شد! یک درخت را آواز کن و رسول الله صلی الله علیه وسلم یک درخت را آواز کرد و آن درخت آمد در حالیکه زمین را پاره میکرد تا اینکه به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید و به نبی علیه السلام سلام کرد و نبی علیه السلام به او امر کرد که بجای خود برو و درخت به جای خود رفت.

۵- گریه تنه درخت خرما: معجزه دیگری رسول الله صلی الله علیه وسلم این بود که نبی علیه السلام قبل از جور شدن منبر، به تنه درخت خرما خطبه را ایراد میکرد؛ و وقتی که منبر جور شد نبی علیه السلام آنجا را ترک کرد و بالای منبر خطبه را ایراد میکرد، تنه خرما به خاطر جدائی گریه و فریاد شروع کرد تا اینکه نبی علیه السلام به او آمد و او را در آغوش گرفت. در حدیث شریف آمده است: (عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَخْطُبُ إِلَى جَذَعٍ، فَلَمَّا صُنِعَ الْمِنْبَرُ فَتَحَوَّلَ إِلَيْهِ، حَنَّ الْجَذَعُ، فَأَتَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْتَضَنَهُ، فَسَكَنَ، وَقَالَ: لَوْ لَمْ أَخْتَضِنُهُ لَحَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ) مسند أحمد (۵/ ۳۹۹) وقال احمد شاکر: اسناد صحیح.

ترجمه: از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است او میگوید: که پیامبر علیه الصلاة والسلام به تنه خرما خطبه ایراد میکرد یعنی به آن تکیه میکرد و این تنه خرما یک ستونی از مسجد النبوی بود و تکیه منبر آماده شد، نبی کریم صلی الله علیه وسلم به منبر انتقال کرد؛ آن تنه خرما به گریه و فریاد شروع کرد مانند: فریاد شتر. در یک روایت آمده است که فریاد این را تمام مردمیکه در مسجد بودند شنیدند رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به او آمد و آنرا در بغل گرفت، پس آن خاموش و آرام شد و نبی علیه السلام فرمودند: اگر من اینرا در آغوش نمی گرفتم تا روز قیامت فریاد میکرد.

۶- فرو رفتن اسپ سراقه ابن مالک در زمین: یک معجزه رسول الله صلی الله علیه وسلم این بود که در وقت هجرت سراقه ابن مالک را دعای بد کرد که به گرفتاری رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و ابوبکر صدیق رضی الله عنه روان بود. اسپ او به زمین تا شکم فرورفت.

در روایت متفق علیه از براء ابن عازب رضی الله عنه حدیث نقل شده است او میگوید: که ابوبکر صدیق رضی الله عنه واقع هجرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را ذکر میکرد و در جریان آن گفت: (فَارْتَحَلْنَا بَعْدَمَا مَالَتِ الشَّمْسُ، وَاتَّبَعَنَا سُرَاقَةُ بْنُ مَالِكٍ، فَقُلْتُ: أَتَيْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «لَا تَحْزَنَنَّ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» فَدَعَا عَلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَارْتَطَمَتْ بِهِ فَرَسُهُ إِلَى بَطْنِهَا، فَقَالَ: إِنِّي أُرَاكُمْ قَدْ دَعَوْتُمْ مَا عَلَيَّ، فَادْعُوا لِي، فَاللَّهُ لَكُمْ أَنْ أُرُدَّ عَنْكُمَا الطَّلَبَ، فَدَعَا لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَجَا، فَجَعَلَ لَا يَلْقَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: قَدْ كَفَيْتُكُمْ مَا هُنَا، فَلَا يَلْقَى أَحَدًا إِلَّا رَدَّهُ، قَالَ: وَوَفَى لَنَا) صحیح البخاری (۴/ ۲۰۲)

حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود: سپس ما حرکت کردیم و قتیکه آفتاب زوال کرد و سراقه ابن مالک به تعقیب ما روان بود، و قتیکه سراقه به ما نزدیک شد و من او را دیدم به رسول الله صلی الله علیه وسلم عرض کردم یک شخصی به گرفتاری ما تلاش میکند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: پریشان مشو، زیرا که الله جل جلاله با ما است، بعداً در حق سراقه دعای بد کرد که به اثر آن اسپ سراقه تا شکم به زمین فرو رفت و سراقه گفت: به من معلوم شد که شما در حق من دعای بد کردید؛ اگر شما برایم دعا کنید که از این مصیبت خلاص شوم من تعهد میکنم که کسیکه به تعقیب شما باشد آنرا واپس میگردانم. و از راه او را برمیگردانم همین بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حق نامبرده دعا کرد و از مصیبت نجات حاصل کرد، بعد از آن هرکس که با سراقه روبرو میشد به او میگفت: که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و رفیق او در این طرف نیستند یعنی آنها اینطرف نیامده اند و به وعده خود با ما وفا کرد.

۷- خبر دادن حیوان به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم:

ابوهریره رضی الله عنه روایت را نقل میکند: او میگوید: (لَمَّا فُتِحَتْ خَيْبَرُ أُهْدِيَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاةٌ فِيهَا سَمٌّ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « أَجْمَعُوا لِي مَنْ كَانَ هَا هُنَا مِنَ الْيَهُودِ » . فَجُمِعُوا لَهُ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « إِنِّي سَأَلْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَهَلْ أَنْتُمْ صَادِقِي عَنْهُ » قَالُوا نَعَمْ . فَقَالَ « هَلْ جَعَلْتُمْ فِي هَذِهِ الشَّاةِ سُمًّا » . فَقَالُوا نَعَمْ . فَقَالَ « مَا حَمَلَكُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ » . فَقَالُوا أَرَدْنَا إِنْ كُنْتَ كَذَّابًا نَسْتَرِيحُ مِنْكَ ، وَإِنْ كُنْتَ نَبِيًّا لَمْ يَضُرَّكَ .) صحیح البخاری (۴۳۷ / ۱۴)

ترجمه: و قتیکه خیبر فتح شد به رسول الله ﷺ یک گوسفند زهر آلود آورده شد، رسول الله ﷺ فرمودند: که یهودیان آن منطقه را برایم جمع کنید، یهود نزد پیامبر علیه السلام جمع شدند سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به ایشان گفت: اگر من از شما در باره یک چیزی سوال کنم آیا شما برایم راست میگوئید؟ آنها گفتند: بلی! رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنها فرمودند: آیا در این گوسفند زهر را انداخته اید؟ آنها گفتند: بلی! سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم از ایشان پرسید: به کدام وجه این کار را کردید آنها گفتند: ما خواستیم که معلوم کنیم که اگر تو کاذب باشی پس از تو ما در راحت قرار میگیریم و بی غم میشویم و اگر تو نبی باشی این به تو ضرر رسانده نمی تواند.

در بعضی روایت ها آمده است که این گوشت کباب شده گوسفند به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: من زهر آلود هستم.

امام عبدالرزاق در مصنف خود ذکر کرده است: (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ امْرَأَةً يَهُودِيَّةً أَهْدَتْ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاةً مَصْلِيَّةً بِخَيْبَرَ، فَقَالَ لَهَا: «مَا هَذِهِ؟» قَالَتْ: هَدِيَّةٌ، وَتَحَدَّرْتُ أَنْ تَقُولَ مِنَ الصَّدَقَةِ فَلَا يَأْكُلُهَا، فَأَكَلَهَا وَأَكَلَ أَصْحَابُهُ، ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: «أَمْسِكُوا»، فَقَالَ لِلْمَرْأَةِ: «هَلْ سَمَّمْتِ هَذِهِ الشَّاةَ؟» قَالَتْ: نَعَمْ قَالَتْ: مَنْ أَخْبَرَكَ؟ قَالَ: «هَذَا الْعَظْمُ»، لِسَاقِهَا وَهُوَ فِي يَدِهِ قَالَتْ: نَعَمْ). مصنف عبد الرزاق الصنعاني (۶ / ۶۶)

ترجمه: از عبدالرحمن بن کعب بن مالک رضی الله عنه روایت است که یک زن یهودی به نبی علیه الصلاة والسلام گوسفند کباب شده را در فتح خیبر هدیه کرد نبی علیه السلام به او فرمود: این چه است؟ آن زن گفت: این هدیه است! بخاطر اینکه پیامبر علیه السلام خود داری میکرد که صدقه نباشد که پیامبر صدقه را نمی خورد، پس نبی علیه السلام از آن خوردن را شروع کرد و صحابه کرام هم خوردن را شروع کردند سپس نبی علیه السلام صبر کنید دست بردارید از خوردن، سپس به آن زن گفت: آیا تو این گوسفند را زهر آلود کرده ای؟ آن زن گفت: بلی! من این گوسفند را زهر آلود کرده ام!.